

توطئه علیه توده‌ای‌های دربند

چندی پیش صدای ج.ا. و روزنامه های مجاز کشور اعلام کردند که در تاریخ معینی (۲۱ آبان ۶۳) محاکمه به اصطلاح علنی بخشی از اعضاء رهبری حزب توده ایران در زندان اوین آغاز خواهد شد. حزب ما در این رابطه به درستی اعلام کرد که آنچه ارگانهای ج.ا. "محاکمه علنی" می نامند در واقع صحنه سازی تازه ای بیش نیست.

دست اندرکاران رژیم، که تا آن هنگام با انواع ترندها، صحنه سازی ها و بکارگیری شکنجه های طاقت فرسای جسمی و با استفاده از شیوه های روانگردانی پرونده های قطوری از اتهامات سخیف علیه حزب ما ساخته بودند، برای دامن زدن به جو توده‌ای ستیزی و فریب افکار عمومی دست به کار برپایی یک دادگاه ساختگی شدند. هدف آنها رها ساختن تیری در تاریکی بود. حاکمان "شرع" می خواستند برای توجیه سیاست ضد مردمی رژیم، این بار از طریق دادگاههای بااصطلاح علنی موج تازه ای از تبلیغات ضد توده‌ای و ضد شوروی پراه بیندازند.

جنایتکاران ج.ا. با ترتیب دادن یک دادگاه بااصطلاح علنی و گویا با حضور تعدادی از خبرنگاران داخلی و دیگر اشخاص، رفقای ما را به زیر مهمیز سؤال کشیدند، اما بر خلاف تصورات باطلی که داشتند، دریافتند که تیرشان به سنگ خورده است. اعضای کادر رهبری حزب توده ایران به نحو احسن از نظریات و ایدئولوژی خود دفاع کردند. آنها اتهامات وارده را بکلی رد کردند و به افشاء سیاست رژیم پرداختند.

آنها در برابر این سؤال حاکم شرع که: شما "اعترافات" دیگری کرده اید، پس چرا به بیان همانها نمی پردازید؟ پاسخ دادند که بااصطلاح "اقرار" یاد شده در شرایط خاصی از ما بقیه در صفحه ۲

فقط با وحدت عمل نیروهای انقلابی می توان به جنگ پایان داد

جنگ ویرانگر و فرسایشی همچنان ادامه دارد و هرروز ابعاد گسترده تری بخود می گیرد. باردیگر دامنه جنگ به شهرهای بی دفاع کشانده شده است. طبق اخبار رسیده شهرهای ایلام، مریان، تهران، سرپل ذهاب، بانه، باختران، شاه آباد غرب و غیره هدف بمباران هوایی قرار گرفته اند. تعداد دقیق کشته ها و مجروحین و نیز میزان خسارات وارده به مردم هنوز معلوم نیست. صدها هزار انسان مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده و از شهرها فرار می کنند.

مادر عین محکوم کردن حمله به مردم بی دفاع، از آنجا که این عمل ضد انسانی را نتیجه ناکزیر ادامه جنگ می دانیم، خواهان قطع فوری بمبارانهای هوایی و آغاز مذاکره برای پایان دادن به جنگ هستیم. این خواست میلیونها ایرانی است.

بقیه در صفحه ۵



دوره هشتم/سال اول/ شماره ۵۲
پنجشنبه ۹ خرداد ۱۳۶۴
بها ۲۰ ریال

ضرورت اتحاد نیروهای خلق

چه باید کرد؟ این سؤال ساهاست که در دستور روز تک - تک سازمانهای ملی و مترقی و مجموعه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک خواهان آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح قرارداد.

رویدادهای کشور موید آن است که تناسب قوا در جامعه ما بسرعت به زیان رژیم در حال تغییر است. آیین روند، وقتی میتواند بسود سازمانها و احزاب ملی و مترقی باشد، که بتوانند نیروهای خود را در جبهه واحدی گرد آورند. فقط در این صورت است که شرایط عینی سرنگونی رژیم بسود توده های محروم فراهم خواهد شد. در برابر دشمن مشترک، با وحدت عمل در جبهه مشترک میتوان مقاومت کرد و پیروز شد. راه دیگری وجود ندارد. بنا بر این باید با کنار گذاردن همه اختلاف نظرهای فرعی، گام نخست را در راه اتحاد نیروها برداشت. باید مرزدوست و دشمن را دقیقاً تعیین کرد. باید پیرامون آماجهای عمده مرحله کنونی مبارزه در شرایط مشخص کشور ما، و نیز اشکال گوناگون نبرد بقصد سرنگون کردن رژیم به توافق رسید.

بقیه در صفحه ۲

جامعه ایران دچار بحران ژرفی است. نارضایی عمومی از سیاست ضد خلقی رژیم ولایت فقیه تشدید میشود. سران ج.ا. در عمل نشان داده اند که قادر به اداره کشور نیستند. رژیم با تکیه بر سرنیزه حکومت می کند. ارگانهای سرکوبگر ج.ا. همچنان سایه شوم خود را با استفاده از بودجه عظیم دولتی و اختیارات نامحدود در سرکوب و آدمکشی، بر میهن ما گسترده اند. بیدادگاههای شرع به مثابه ابزار اصلی "ولایت فقیه" فارغ از هر اصول و قانون و موازین قضایی عمل می کنند. خمینی به مثابه محور سیاست ضد ملی و ضد خلقی و مرکز اصلی قدرت مطلقه، کشور ما را هرچه بیشتر بسوی ورطه فلاکت سوق می دهد. مجلس شورای اسلامی به ارگان بی ثمر و بی حاصلی در جنگ شورای نگهبان تبدیل شده است. ادامه جنگ خانمانسوز، آینده کشور ما را تهدید می کند. کوتاه سخن: کشور ما به بشکه باروتی می ماند که جرقه ای آنرا منفجر خواهد ساخت. در اینکه این انفجار دیر یا زود روی خواهد داد. جای تردید نیست. حرف بر سر آن است که چه کسانی و کدام نیروها از نتایج آن بهره خواهند گرفت.

اگر نیروهای ملی و مترقی این حقیقت را نادیده بگیرند و کماکان به سیاست خود محور بینی ادامه بدهند و به آتش پراکندگی و نفاق در میان خود دامن بزنند، بدون کوچکترین تردیدی، میتوان از هم اکنون پیش بینی کرد، که در آخرین تحلیل بازنده خواهند بود. تجربه انقلاب بهمن ۵۷ این حقیقت را باردیگر در تاریخ معاصر ایران به اثبات رساند.

هشدار به کارگران و زحمتکشان ایران

توطئه برای تحمیل قانون کار ارتجاعی وارد مرحله نوینی شد

در صفحه ۲

کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی
مانعی در راه پیشرفت اجتماعی
در صفحه ۶

فبروری ۱۳۸۵
کابل

کمیته مرکزی حزب توده ایران

این رخداد از یکسو و دریافت پیامهای متعدد همبستگی احزاب کمونیست و کارگری و جنبش انقلابی و رهایی بخش ملی، اعزام هیات های نمایندگی برخی از احزاب دوست و برادر و نشر مضامین و تدویر محافل و میتینگهای همبستگی از جانب احزاب برادر از سوی دیگر مظاهر گویایی از تحکیم و گسترش نفوذ و اعتبار حزب ما در عرصه ملی و بین المللی میباشد.

تجلیل شکوهمند این رویداد پر اهمیت و تاریخی خلق ما نشانه دیگری است از غلبه بر مشکلات و موانع و تسخیر قله های نوین پیروزی های درخشان در امر اعمار جامعه مرفه و شکوفان در سرزمین پرغرورمان افغانستان انقلابی.

بقیه در صفحه ۲

رفقای عزیز
اجازه دهید ضمن تقدیم بهترین درودهای گرم رفیقانه و تمنیات نیک کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان پیروزی های بزرگی را برای حزب شما در مبارزه شریفانه و فعالیت پرثمرتان بخاطر صلح و سوسیالیسم آرزو نماییم.

بطوریکه آگاهید امسال حزب ما بیستمین سالگرد تاسیس خود را در شرایط دستیابی به پیروزی های بزرگ و تاریخی خلق افغان در امر تحقق وظایف سترگ مرحله کنونی انقلاب جشن گرفت. شرکت فعال و همه جانبه کارگران، دهقانان، نمایندگان اقوام و قبایل و ملیت های ساکن کشور، روشنفکران و همه زحمتکشان جمهوری دمکراتیک افغانستان در تجلیل شکوهمند

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

توطئه علیه توده‌ای‌های دربند

بقیه از صفحه ۱

گرفته شده است که همه او آن خبردارند. اینک همه مردم به درستی می‌دانند که شکنجه گران به طرز وحشیانه‌ای ما را وادار به بیان مسائلی کرده‌اند که کاملاً بی‌اساس و دور از واقعیت است.

دفاع جانانه توده‌ای‌های دربند در این دادگاه با اصطلاح علنی، سبب شد که نقشه‌های رژیم کاملاً نقش بر آب شود. حاکمان شرع به ناگزیر جلسه دادگاه را تعطیل کردند و به بهانه‌های گوناگون، از جمله "نقص پرونده"، "مدارک جدیدی که پیدا میشود"، "مشکل از نظر حاضر شدن متهم در دادگاه" و مهلاتی از این دست، محاکمه رفقای ما را به وقت دیگری موکول ساختند.

رژیم که موفق به بهره برداری تبلیغاتی از محاکمه فرمایشی نشده کماکان می‌کوشد پشت درهای بسته به سیاست صدور احکام اعدام و زندانهای دراز مدت در مورد توده‌ای‌ها ادامه دهد. چنانکه ما بارها اعلام کرده‌ایم و تمام نیروهای آوادیدخواه و دمکراتیک درسراسر جهان خواسته‌اند و طی دهها هزار نامه و تلگراف، همچنین مراجعات مکرر به سفارتخانه‌ها و گفتگو با مقامات رسمی ج.ا. بیان داشته‌اند، محاکمه رهبری، کادرها و دیگر اعضاء هواداران دربند حزب باید بصورت کاملاً آزاد و علنی، با حضور نمایندگان حقوق‌دانان دمکرات و وکلای مدافع بین‌المللی که بارها آمادگی خود را برای دفاع از زندانیان توده‌ای اعلام کرده‌اند، انجام شود.

ما بار دیگر از همه میهن پرستان و نیروهای مترقی ایران و جهان می‌طلبیم که برای نجات جان توده‌ای‌های دربند و دیگر زندانیان سیاسی صدای اعتراض خود را بلند کنند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱

به صورت موجز میتوان یاد آورد که جشن بیست سالگی حزب ما به بررسی و ارزیابی از کار و مبارزه ۲۰ ساله آن بخاطر تحقق وظایف سترگ و تاریخی در جهت اعمار جامعه نوین و عادلانه با درک عمیق از شرایط موجود جامعه ما کمک نمود. امروز خلق افغان در تحت رهبری حزب ما در راهیکه انتخاب نموده‌اند با اتکاء به نیروی لاینزال خلق که سرچشمه تمام ارزشهای مادی و معنوی جامعه ما را می‌سازد و کمک و حمایت بیدریغ دوستان و متحدین بین‌المللی خود به خصوص حزب کمونیست و مردم اتحاد شوروی به مقابله جزه لاینفک پروسه انقلابی جهان قاطعان گامهای استواری را در امر سعادت و بهروزی خلق برداشته و ضربات خوردکننده‌ای بر عاملین جنگ تحمیلی اعلام نشده امپریالیسم - ارتجاع و رژیمونیس وارد می‌آورند.

سه‌گیری فعال هیئت حزبی شما در جشن بیست سالگی حزب دمکراتیک خلق افغانستان و ارسال پیام همبستگی و شادباش از جانب حزب شما به

ضرورت اتحاد نیروهای خلق

بقیه از صفحه ۱

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، نظرات خود را در کلیه این موارد در بیانیه مشترک، صریحاً در معرض قضاوت همگان قرار داده‌اند. تاریخ وظایف بس سنگینی به عهده نیروهای انقلابی گذارده است. اگر ما نتوانیم هرچه زودتر به وظایف تاریخی خود عمل کنیم، بار دیگر میهن ما عرصه تاخت و تاز مستبدانی خواهد شد که بارها در کشورما از محک آزمایش گذشته‌اند و اینک زیر پوشش آزادی و دمکراسی عرض اندام می‌کنند.

باید تا دیر نشده امکان گفتگوی خلاق میان نیروهای ملی و مترقی را فراهم آورد. باید از آنچه که ما را از هم جدا می‌کند پرهیز جست و روی نکاتی که ما را به هم پیوند می‌دهد تکیه کرد. چنانکه در بیانیه مشترک تاکید شده است، ما معتقدیم که علیرغم دشواری‌ها، اختلاف نظرها و مشکلاتی که در راه تشکیل جبهه واحد وجود دارد، باید با تمام قوا برای ایجاد آن کوشید. اختلافات موجود نباید مانع همکاری نیروها در لحظات حساس و سرنوشت ساز کنونی باشد. در بیانیه مشترک بدرستی خاطر نشان میشود: "برخی از سازمانهای مترقی و دمکراتیک درباره سیاست ما نظراتی داشته‌اند و دارند، ما هم متقابلاً درباره سیاست آنها نظریاتی داریم. در مرحله کنونی منطقاً باید به آنچه ما را متحد می‌کند تکیه کرد و از آنچه که موجب تفرقه است، پرهیز جست. مساله مهم پیدا کردن یک شالوده دمکراتیک است که به تحکیم پیوند ها میان

مناسبت این رخداد با اهمیت و تاریخی حزب و مردم جمهوری دمکراتیک افغانستان نشاندهنده حمایت و پشتیبانی شریفانه، بیدریغ و انترناسیونالیستی آن حزب نسبت به حزب، انقلاب و مردم ما میباشد.

اچاوه دهید به نام کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان و طبقه کارگر جوان و همه زحمتکشان جمهوری دمکراتیک افغانستان بدین مناسبت صمیمی ترین تشکرات قلبی خود را به شما و از طریق شما به تمام اعضای حزبتان - طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشورتان بیان نماییم.

حزب ما معتقد است که مناسبات رشد یابنده و پرثمر میان حزب دمکراتیک خلق افغانستان و حزب شما که بر مبنای اصول مارکسیزم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری استوار و از اراده بلاانحراف خلقهای هردو کشور بخاطر صلح، دمکراسی و ترقی اجتماعی ناشی می‌گردد در آینده نیز راه تکاملی خود را بخاطر این آرمان شریفانه می‌پیماید.

با درودهای رفیقانه کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان

نیروهای ملی و مترقی یاری رساند و زمینه را برای برانداختن رژیم فرام آورده، نه آن که موجب جدایی آنان گردد".

همه نیروهای انقلابی معتقدند که نبرد کنونی در کشور دارای خصلت طبقاتی است. ما همه به اصل آزادی احترام می‌گذاریم. همه ما معتقدیم که ارتجاع و امپریالیسم دشمنان خلقهای ما هستند. همه ما بر آنیم که کشور ما باید استقلال سیاسی واقعی خود را، که بدون دستیابی به استقلال اقتصادی میسر نیست، بازیابد. همه ما خواهان پایان دادن به جنگ و تامین صلح عادلانه هستیم و بالاخره در راه استقرار عدالت اجتماعی در کشور مبارزه می‌کنیم.

ما در جهانی زندگی می‌کنیم که ویژگی عمده آن تغییر تناسب نیروها بسود هواداران آزادی، استقلال، پیشرفت اجتماعی و صلح و برپان نیروهای ارتجاعی و امپریالیسم است.

چرا نباید از کلیه این شرایط برای به هم پیوستگی و وحدت عمل استفاده کنیم؟ نیروهای انقلابی تنها با پیوستن به هم می‌توانند از این شرایط که هر روز مساعدتر میشود، در مناسب ترین لحظات بهره گیری کنند و مبارزه خلق را به پیروزی برسانند. اگر در گردانهای جنبش رهایی بخش ملی کشورما و ارگانهای رهبری سازمانهای انقلابی، روشن بینی سیاسی، گرایش به تشکیل در جبهه متحد خلق و شناخت دوست از دشمن به سطح سیاست مستمر ارتقاء نیابد، ما قادر نخواهیم شد، نقش خود را در کشور ایفا کنیم. از این روست که ما بر حسب ضرورت تاریخی در راه گفتگوی پارآور همه نیروهای انقلابی، با هدف پی ریزی شالوده دمکراتیک همکاری دراز مدت مبارزه می‌کنیم و گامهای عملی نیز در این زمینه برمی داریم. ما وظیفه داریم، برخی عناصر را که تصور می‌کنند با اتخاذ یک روش ضد توده‌ای و ضد کمونیستی می‌توانند بسود خود راهگشایی کنند، از عواقب مضر چنین پندارهایی برحذر داریم. نباید درسهای تاریخی را به دست فراموشی سپرد. بودند کسانی که در گذشته با در پیش گرفتن سیاست توده‌ای ستیزی و نفی حزب توده ایران و رهبری آن می‌کوشیدند نظر محافل امپریالیستی را جلب کنند. ولی نتیجه چه شد؟ اکنون همه آنها در زباله‌دان تاریخ جای دارند.

دشمنان ما سعی کرده و خواهند کرد تا بذر نفاق و چند دستگی و تفرقه رادر میان رزمندگان واقعی راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح بیفشانند. باید این سیاست مزورانه را که متأسفانه سالهاست با مهارت بکار گرفته میشود، باتمام قوا خنثی کرد. تا زمانی که نیروهای ملی و مترقی، راه و روش همکاری و بحث سودمند را نیاموزند، به زبان مشترکی دست نیابند و حتی در مواردی به سازش اصولی با یکدیگر، بر سر این مسئله و یا آن مسئله نپردازند، قادر نخواهند بود که به پراکندگی و تفرقه دامنگیر میان نیروهای خلق پایان دهند. به همین سبب ما در اعلامیه مشترک آمادگی جدی خود را برای رسیدن به این هدف اعلام کرده‌ایم.

هشدار به کارگران و زحمتکشان ایران

توطئه برای تحمیل قانون کار ارتجاعی وارد مرحله نوینی شد

روز ۹ اردیبهشت، رسانه های گروهی کشور خبر دادند که لایحه قانون کار بتصویب هیات دولت رسید و برای تصویب نهایی به مجلس شورا فرستاده شد. این لایحه براساس همان پیش نویس تهیه شده است که بیش از یکسال پیش یعنی در بهمن ماه سال ۱۳۶۲، در مطبوعات کشور منعکس شد.

وزارت کار در آن هنگام چنین ادعا کرد که گویا پیش نویس جدیدی را مطرح کرده است. دلیل این ادعا دروغین، ترس رژیم از آگاهی کارگران نسبت به پیش نویس قبلی قانون کار بود. کارگران در مبارزات خود علیه پیش نویس کذایی توکلی که بخصوص در نیمه دوم سال ۶۱ به اوج خود رسید، سیاست ضد کارگری رژیم را در سطح وسیعی افشاء کردند. بطوری که رژیم بلافاصله مجبور شد آن پیش نویس را در هیئت دولت بایگانی و مدافع سرسخت آن یعنی توکلی را نیز از کار برکنار کند.

بیانیه مشترک کمیته های مرکزی حزب و سازمان، مبارزه کارگران علیه پیش نویس ارتجاعی قانون کار را چنین جمع بندی کرده است:

"یکی از برجسته ترین فصول مبارزات طبقاتی در جامعه ما، مبارزه فراگیر کارگران با پیش نویس قانون کار ارتجاعی رژیم بود. در این مبارزه سندیکاها و شوراهای کارگری نقش مهمی

ایفا کردند، ولی دامنه مبارزه کارگران از حدود تشکلهای سندیکایی و شورایی موجود بسیار فراتر رفت. حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در این مبارزه آشکارا رهبری سیاسی را بعهده داشتند. و این یکی از عرصه های عمده مبارزه بغرنج طبقاتی بود که ارتجاع حاکم در آن ناگزیر از عقب نشینی جدی شد."

حدود یک سال بعد، هنگامی که وزیر کار جدید همان پیش نویس کذایی را بابرخی تغییرات سطحی و جزئی بعنوان "پیش نویس جدید" مطرح کرد، کارگران به شکر او پی بردند و آنرا "پیش نویس بزرگ شده توکلی" نامیدند. حتی در سینارهایی که از سوی وزارت کار و خانه کارگر برگزار شد فریاد مخالفت کارگران با پیش نویس جدید بطور وسیعی انعکاس یافت.

کارگران در سال گذشته بارها بر لزوم مشارکت در تدوین پیش نویس قانون کار پافشاری کردند ولی همه جا با مخالفت مقامات مواجه شدند. فشار همه جانبه کارگران باعث شد تا سرحدی زاده وزیر کار مجبور شود نظر اصلی حاکمیت را در تدوین قانون کار اعلام دارد. وی در پاسخ به سئوالات کارگران گفت: "باید عرض کنم که قانون کار گذشته (رژیم شاه) خیلی هم ناخوشایند و ضد کارگری نبوده است." سرحدی زاده تاکید کرد که "آقای توکلی یک کام اساسی و اولیه برداشتند و کام بعدی هم با آمدن

نگرشی بر عملکرد انحصارات ژاپنی در ایران

زمانی روزنامه آلمانی دی تسایت نوشته بود: "هتل اینتر کنفیننتال تهران که مدت مدیدی رنگ مسافر خارجی بخود ندیده بود اکنون جای سوزن انداختن ندارد. در میدانهای کلف حضور ژاپنی ها بحدی است که تنها در تهران از توکیو مشکل است."

امروز پس از است ۲ سال از آن زمان، نه تنها شهرهای وطنمان ملو از کارشناسان ژاپنی است، بلکه حتی در مطبوعات کشور نیز این آگهی ها بچشم می خوردند. یک شرکت ژاپنی نیازمند اتاق در شمال شهر جهت دفتر مرکزی خود است. و یا "یک شرکت ژاپنی برای کارمندان خود بیک ساختمان ۲ طبقه دارای سالن نهار خوری، گاز شو، و تلفن در حوالی خیابان وزراء، ونک و کوی احتیاج دارد. - کیهان ۱۸ مهر ۶۳."

ظاهرا علت این تجمع روزافزون ژاپنی ها در ایران، انتقال تکنولوژی پیشرفته به وطن ماست که بارها از سوی مقامات مسئول حکومتی در گذشته و حال مورد تاکید قرار گرفته است.

در نتیجه این سیاست شاهانه سران ج.ا. باردیگر زحمتکشان میهن ما شاهد نفوذ گسترده انحصارات غارتگر ژاپنی در همه عرصه های اقتصادی کشورمان هستند. هم اکنون صدها کارشناس ژاپنی در شهرهای تهران، قزوین، بندر

عباس، مشهد، اصفهان و تبریز دست اندرکار پروژه هایی عظیم نظیر فولاد مبارکه، نیروگاه برق "رجایی" قزوین و پتروشیمی اند.

همچنین شرکتهای ژاپنی مانند توهاها - کوموگا - تایه دینگو - شوارنگو و سومیتومو در امور راه سازی، تولید انرژی، حمل و نقل، حفاری، کشتی سازی و امور بندری در ایران مشغول فعالیت اند.

آنچه که بر اساس آزمون گذشته و تجربه امروز، در مورد نتیجه فعالیت این کمپانی های غارتگر میتوان گفت، عبارتست از آنکه:

اولا - انتقال تکنولوژی پیشرفته ژاپن به ایران افسانه ای بیش نیست. این واقعیتی است که خود حکومتمان نیز به آن معترفند. روزنامه اطلاعات مورخ بیستم آبانماه ۶۳ نوشت: "میتوان پیش بینی کرد که تحت عنوان صدور تکنولوژی، ژاپنی ها بتوانند جنس بیشتری را به ایران بفروشند و تلاش کنند... نوعی صنعت مونتاژ را در ایران راه بیاندازند." در همین رابطه، نمونه نیروگاه ۲ هزار مگاواتی قزوین بحد کافی گویاست. یکی از شرطهای اصلی مناقصه این نیروگاه، واگذاری تکنولوژی آن به ایران بود. اما کمپانی های ژاپنی سومیتومو و میتسوبیشی که عهده دار اجرای این طرح شده اند، براحتی شرط

من به وزارت کار انجام شد". آری، لایحه قانون کار ارجاع شده به مجلس چیزی نیست جز ملغمه ای از پیش نویس تهیه شده از جانب توکلی و روح حاکم بر قانون کار زمان شاه، یعنی یک لایحه صدرصد ارتجاعی.

توطئه رژیم، با ارجاع این لایحه به مجلس جهت در بند کشیدن کارگران و زحمتکشان ایران وارد مرحله جدیدی شده است. در این مرحله همه اعضا و هواداران حزب ما، تمام انقلابیون و همه فعالان صنفی و کارگران آگاه وظیفه سنگینی بعهده دارند. ضرورت کامل دارد تا با این توطئه بطور همه جانبه مقابله شود. کارگران باید موضوع این لایحه را در دستور روز گفتگوها، بحث ها و مجامع خود قرار دهند. قانون کار نه تنها کارگران بلکه کارمندان و تمام زحمتکشان را در بر می گیرد.

باید در همه این عرصه ها رژیم را زیر حلات سنگین قرارداد. باید برای همگان توضیح داد:

رژیمی که ابتدایی ترین خواستهای کارگران و کارمندان را با کلوله و توهین و تحقیر پاسخ می دهد و اساس سیاست آن دفاع از کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان است، نمی خواهد و نمی تواند یک قانون کار مترقی را تصویب و اجرا کند.

تنها ضامن تدوین، تصویب و اجرای یک قانون کار مترقی، قدرت و اراده متحد کارگران است که از طریق تشکل های سراسری و مستقل اعمال شود. مبارزات کارگران در سال گذشته مرحله نوینی در پیشروی بسوی این هدف بود. این پیش روی باید همچنان ادامه یابد.

مذکور را زیر پا گذارده اند. در حال حاضر وسایل و دستگاههای اساسی نیروگاه قزوین در ژاپن تولید می گردند و در ایران تنها مونتاژ می شوند.

ثانیا - کمپانی های ژاپنی تحت عنوان صنعتی کردن کشورمان، گاو صندوق های خود را پرمی کنند. مثلا هزینه پروژه پتروشیمی ایران - ژاپن، طی ۷ سال کارشناسی ژاپنی ها از ۱۰ میلیارد ۲۰۰ میلیون دلار اکنون بالغ بر ۴ میلیارد ۸۰۰ میلیون دلار شده است. بعلاوه فرآورده های آن باید برای تکمیل نهایی به ژاپن فرستاده شود، سپس مجددا به ایران صادر گردد و به چند برابر قیمت اصلی بفروش برسد.

ثالثا - کمپانی های ژاپنی کشور ما را به نمایشگاه کالاهای لوکس و بنجل مصرفی خود بدل ساخته اند. این سیاست نواستعماری انحصارهای ژاپنی در نمایشگاه بین المللی تهران تجلی بارزی یافت. در این نمایشگاه، ۲۱ شرکت ژاپنی فعال در ایران "غرفه خود را به نمایش کالاهای مصرفی و لوکس... اختصاص داده بودند" (اطلاعات ۲۰ آبان ۶۳).

رابعا - شرکتهای ژاپنی جاده صاف کن، انحصارات آمریکایی اند. بی سبب نبود که یکی از سناتورهای آمریکایی اواخر سال گذشته مسیحی اعلام کرد: "آمریکا به طرح سیاستی احتیاج دارد که وابستگی همه کشورهای بقیه در صفحه ۵

مناسبت شصت و پنجمین سالگرد بنیانگذاری حزب کمونیست ایران

رخنه مارکسیسم و پی ریزی سوسیال دمکراسی انقلابی در ایران

روز ۲۰ خرداد امسال مصادف است با شصت و پنجمین سالروز بنیانگذاری حزب کمونیست ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران. از هم اکنون باید به پیشواز این مناسبت خجسته تاریخی رفت و برای برگزاری هرچه باشکوهتر آن تدارک دید.

سپری شدن ۶۵ سال از بنیانگذاری حزب کمونیست ایران را در واقع باید سپری شدن ۶۵ سال از تولد و تاریخ پر بار حزب توده ایران دانست. حزب پر افتخار ما، خواه از نظر ایدئولوژی و ادامه کاری عملی و خواه از نظر شناسایی بین المللی جانشین و ادامه دهنده برحق راه حزب کمونیست ایران است.

امسال در شرایطی ۶۵ - مین سالروز تشکیل حزب کمونیست ایران را جشن می گیریم که رژیم واپسگرای "ولایت فقیه" شرایط ترور و اختناق را بر ایران حاکم ساخته است. رژیم فعلی همانند سلف خود، در سالهای اخیر، با کشودن سنگین ترین آتش توپخانه تبلیغاتی علیه کمونیست ها و ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم، تلاش عظیمی بکار می بندد تا از طرق گوناگون، در راه فعالیت سازمانی و سیاسی و ایدئولوژیکی پیروان سوسیالیسم علمی سنگ اندازی کند. سردمداران ج.ا. و دستگاه تبلیغاتی رژیم واقعیت اندیشه های انقلابی سوسیالیسم را دگرگون جلوه می دهند تا از کشت و جذابت ایدئولوژیکی حزب طبقه کارگر بکاهند. ولی غیرغم پورش ها، زخم ها و ضربات خونباری که ارتجاع حاکم برپیکر حزب توده ایران و سازمانهای پیرو سوسیالیسم علمی وارد ساخته، هرگز موفق نگردیده است خللی درحقیقت تاریخی آرمانها و اندیشه های دوران ساز کمونیستها در بین طبقه کارگر و توده های مردم ایجاد کند. زیرا حزب طبقه کارگر و سلاح ایدئولوژیک آن، بعنوان یک ضرورت تکامل اجتماعی چیرگی ناپذیر است. ایدئولوژی طبقه کارگر با گذر از راههای پرسنگلاخ و نبردهای پر تلاطم اجتماعی سرانجام قلب زحمتکشان را تسخیر خواهد کرد.

در اوضاع و احوال تاریخی کنونی، جامعه ایران با بحران اقتصادی - اجتماعی ژرفی رویاروی است. حاکمیت که هم در مبارزه حاد طبقاتی ای که در سطح جامعه جریان دارد و محل های تدارک شرایط عینی برای یک تحول بنیادی را هرچه بیشتر قوام می بخشد و هم از نظر ایدئولوژیک شکست های سختی را متحمل شده است، لبه تیز حلات خود را متوجه مسخ و لجن پراکنی به تاریخ ۶۵ ساله فعالیت مشکل کمونیست ها کرده است. از این رو، بررسی گذرای تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری که یکی از گردانهای بالقوه نیرومند جنبش انقلابی مین ما بشمار می رود، اهمیت ویژه ای دارد. چرا که در آینه تاریخ این جنبش میتوان از اشتباهات گذشته پند گرفت و راه آینده را هموار کرد.

در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری ایران، تشکیل و بنیانگذاری حزب کمونیست ایران ثمره و آرد سترگ نخستین گردهمایی بزرگ کمونیست های عضو "حزب عدالت ایران" به ثبت رسیده است. این گردهمایی تاریخی که با شرکت ۴۲ نماینده سازمانهای "حزب عدالت ایران" و ۹۰ مهمان در ۲۰ خرداد ۱۳۹۹ (۲۲ ژوئن ۱۹۲۰) در شهر انزلی برگزار شد، نخستین کنگره حزب کمونیست ایران نام گرفت. ولی باید در نظر داشت که نخستین کنگره حزب کمونیست ایران نزدیک به پنجاه سال فعالیت انقلابی، سیاسی و ایدئولوژیک پرداخته در بین طبقه کارگر پشتوانه خود داشت. محافل سوسیال - دمکراسی، جمعیت "همت"، "حزب عدالت ایران"، اسلاف حزب کمونیست ایران و حزب توده ایران هستند.

گسترش مارکسیسم در ایران

ایدئولوژی مارکسیسم، بمثابة یگانه قطب نمای مطمئن راهی طبقه کارگر و زحمتکشان، از اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم به ایران راه یافت. این دورانی است که صنایع و به همراه آن مناسبات تولیدی سرمایه داری در ایران، در حال رشد است و طبقه کارگر جوان بتدریج از نظر کمی و کیفی وزن و اعتباری کسب می کند.

ایدئولوژی مارکسیسم اساسا از دوره بدرون جامعه ما رخنه پیدا کرد.

نخستین راه، راه اروپا بود. در اوایل سالهای سده نوزدهم ایدئولوژی مارکسیسم از طریق دولتمردان سیاسی ایران، نمایندگان بازرگانان بزرگ، جهانگردان و مطبوعات خارجی در ایران اشاعه یافت. از آنجا که بذر این مارکسیسم از سوی رسولان راستین آن در جامعه افشانه نمی شد، بلکه توسط اقدار و طبقات مخالف با آن نشر می یافت، از مفهوم واقعی خود تهی و تحریف شده بود.

راه دوم، راه روسیه و قفقاز است. مارکسیسم راه یافته از این طریق سرعت در کشورمان منتشر گردید و پاره مبارزه زحمتکشان بخاطر دستیابی به آماجهای سعادتبار بشری پرتو افشان شد. مارکسیسم - لنینیسم، بخاطر خصلت انقلابی و تفاوت بنیادی ای که با ایدئولوژی های بورژوازی دارد، نه از سوی افراد جداگانه، بلکه بعنوان ایدئولوژی طبقه کارگر توسط سازمانهای سیاسی در کشورمان اشاعه یافت و اثر بخشی خود را در عمل نمایان ساخت.

نخستین آورندگان اندیشه ها و برپاسازندگان گروههای سوسیال دمکرات، ایرانیانی بودند که برای کار فصلی و یا نسبتا دراز مدت به ماوراء قفقاز و آسیای میانه بویژه برای کار در صنایع نفت باکو رفت و آمد می کردند. برای آنکه خواننده تصویری از وسعت این رفت و آمدها بدست آورد، خاطر نشان می سازیم که بطور کلی ۵۰ درصد کارگران صنایع نفت باکو ایرانی

بودند. از بین همین کارگران بود که انقلابیون بزرگی همانند حیدر عموغلی برخاستند. در اواخر سده نوزدهم، مبارزه ضد استبدادی در ایران گسترشی روزافزون یافت و توده های وسیع تری به عرصه مبارزه کشانده شدند. در شهرهای مهم کشور بویژه در تبریز، تهران و اصفهان سازمانهای سیاسی مخفی بوجود آمد. این سازمانها تلاش می ورزیدند مبارزات مردم را سازماندهی و رهبری کنند. علی مسیو، روشنفکر پرآوازه تبریز، هم در سال ۱۳۲۶ (۱۸۱۷) سازمان سیاسی ای را بنیان گذارد که به یکی از کانونهای نیرومند مبارزه ضد استبدادی تبدیل گردید.

در سالهای نخست سده بیستم، سازمان علی مسیو در آذربایجان، اعلامیه ها، اطلاعیه ها و جزوات ارسالی "حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه (بلشویک)" شاخه باکو و تفریس و تبریز را دریافت می کرد و نه تنها در آذربایجان و دیگر شهرهای ایران، بلکه ترجمه آنها در شهرهای بغداد و کاظمین عراق هم مخفیانه پخش می گردید.

در سالهای (۸ - ۱۳۸۰ - ۱۹۰۲) - ۱۹۰۱) روزنامه "ایسکرا" ارگان حزب سوسیال دمکرات روسیه از طریق برلن - وین - تبریز به باکو فرستاده می شد. سازماندهی این کار تحت نظر شخص لنین و کروپسکیا، همسر لنین انجام می گرفت.

در روسیه، سوسیال دمکراتهای بلشویک قفقاز بذر آگاهی و تشکل انقلابی را در بین کارگران مهاجر ایرانی می پراکنده و به آنها درس پیکار در راه آزادی میهن می آموختند. حزب بلشویک روسیه، قطع نظر از تبلیغ اندیشه های مارکسیستی در میان کارگران ایرانی و کشاندن آنها به مبارزه عملی فعالیت ویژه ای را برای سازماندهی آنها انجام می داد. چنانکه در سال ۱۹۰۴ به ابتکار بلشویکهای روس توسط گروهی از سوسیال - دمکراتهای ایرانی جمعیتی بنام "همت" تشکیل شد که بتدریج نضج گرفت و تعداد چشمگیری از کارگران ایرانی صنایع نفت باکو را گرد آورد. آنها از طریق این جمعیت برای مبارزه در راه تامین حقوق خود تجهیز و رفته رفته به مبارزات سیاسی جلب می شوند.

اعتصاب عمومی و نمایش عظیم کارگران نفت که بمناسبت کشته شدن صفر علی اف، یکی از رهبران جمعیت "همت" برپا گردید تا امروز سابقه نداشت و هشدار برای حکومت تزاری بود. در پیامد این رخداد، روزنامه "همت" ارگان این جمعیت توقیف شد و فعالیت جمعیت بیش از یکسال نپایید. ولی نقش تاریخی خود را ایفا نمود. جمعیت سوسیال دمکرات (اجتماعیون عامیون) تحت رهبری نریمان نریمان اف بر زمینه فعالیت همین جمعیت بوجود آمد.

سوسیال - دمکراسی (اجتماعیون - عامیون) ایران گرچه نتوانست به شکل یک حزب واحد و بقیه در صفحه ۵

رخنه مارکسیسم وی ریزی سوسیال دمکراسی انقلابی در ایران

بقیه از صفحه ۴

یکپارچه در آید، ولی سازمانهای جداگانه آن در ژرفش و گسترش انقلاب مشروطیت بویژه در آذربایجان و گیلان نقش بزرگی ایفا نمود. انقلاب مشروطیت ایران که یک انقلاب بورژوازی بود، در شمال ایران، بویژه در آذربایجان خصلت عمیقا توده ای بخود گرفت و در دوران دفاع از تبریز به اوج خود رسید و نظر انقلابیون جهان را بخود جلب کرد. در دوران انقلاب مشروطه یگانه سازمان متشکل اجتماعیون - عامیون بود. روزنامه مجاهد بعنوان ارگان این تشکیلات در تبریز منتشر می شد. روزنامه هایی بنام "انجمن"، "ناله ملت"، "آذربایجان"، "مشورت"، "اتحاد"، "تربیت"، "مکافات"، "فروردین" و نیز روزنامه ها و مجلات دیگری در تبریز و ارومیه به همت سوسیال - دمکراتها منتشر می شد و به مبارزات انقلابی توده هاست می داد.

سازمان اجتماعیون - عامیون تبریز تا شعله ور شدن انقلاب مشروطه، در راه متحد کردن، مسلح ساختن و رهبری نیروهای انقلابی کام های موفقیت آمیز بزرگی برداشت.

سازمان اجتماعیون - عامیون تهران در نتیجه فعالیت های انقلابی دورزمندانه نامدار ایران، حیدر عمواوغلی افشار و صادق طاهباز برپا شد. حیدر عمو اوغلی، پس از آنکه تلاش در بوجود آوردن سازمان اجتماعیون - عامیون در مشهد فرجام نیافت، در اواخر سال ۱۲۸۲ (۱۹۰۴) برای شرکت در جنبش انقلابی به تهران آمد و شروع به تشکیل حوزه های اجتماعیون - عامیون کرد. حیدر عمو اوغلی، در "انجمن آذربایجان" که از نخستین ماههای ۱۲۸۶ در تهران فعالیت خود را آغاز کرده بود، موفق به ایجاد اجتماعیون - عامیون تهران گردید. سازمان اجتماعیون - عامیون تهران به کامیابی های چشمگیری دست یافت. از ابتکارات مهم آن، دستیابی به رهبری شکل های مترقی و انقلابی تهران بود، که توانست این تشکیلات را به کمک نهاد سیاسی رهبری کننده تبدیل نماید. در کمیته مرکزی اجتماعیون - عامیون، حیدر عمو اوغلی، صادق طاهباز، ملک المتکلمین، جهانگیر خان شیرازی، نجم آبادی، سلیمان میرزا اسکندری، میرزا قاسم خان تبریزی، شیخ ابراهیم تبریزی، سید محمد رضا مساوات و سید محمد خراسانی

فقط با وحدت عمل

بقیه از صفحه ۱

اما سران جنایتکار ج.ا. اصرار در ادامه جنگ دارند. آنها با رد مستمر پیشنهادات سران دول صلح دوست و سازمانهای بین المللی پیرامون پایان دادن به جنگ، باردیگر به عیان نشان دادند که دشمنان سوگند خورده مردم میهن ما هستند.

رژیم با اصرار در ادامه جنگ، ایجاد گروههای تروریستی و مزدور و اعزام آنها به کشورها برای خرابکاری و آدمکشی، تشدید فشار و ترور و اختناق در داخل علیه نیروهای انقلابی و میهن پرست که علیه رژیم سفاک و آدمکش خمینی سربه اعتراض بر می دارند. چهره خود را به مثابه یک رژیم مستبد و خونخوار و جنگ افروز برملا می سازد.

نه تنها سیاست ضد خلقی رژیم در زمینه ادامه جنگ، بلکه بخش مهمی از مجموعه تبلیغات آن درست در جهت خواستهای امپریالیسم جهانی و در وهله نخست امپریالیسم تجاوزکار آمریکا عمل می کند. سیاست رژیم موجب آن شده تا امپریالیسم آمریکا مواضع نظامی خود را در خلیج فارس و اقیانوس هند بیش از پیش تحکیم بخشد. چندی پیش "مک فایر" دستیار تحقیقاتی موسسه مطالعاتی "بوکینگ" در واشنگتن به دولت

عضویت داشتند. روزنامه های "مساوات" "صوراسرافیل"، "حقوق"، "نجات ایران" که در تهران در ردیف مطبوعات مترقی و آزادیخواه منتشر می شدند، در واقع زبان گویا و مبلغ اهداف و خواستهای اجتماعیون - عامیون بود. این مطبوعات، وسایل تبلیغی و ترویجی مهمی بودند که اندیشه ها، شعارها و رهنمودهای تاکتیکی سازمان را در بین مردم می بردند و به نیروی مادی تبدیل می ساختند. سازمان اجتماعیون - عامیون تهران علیه سردمداران و سررشته داران خودکامه حاکم همانند محمد علیشاه و اتابک به اقدامات تاریخی مهمی دست زدند. سازمان اجتماعیون - عامیون تهران تا بتوپ بستن مجلس ۱۲۸۷ (۱۹۰۸) به فعالیت خود ادامه داد و تنها زمانی شیرازه فعالیت این تشکیلات از هم فروپاشید که حیدر عمو اوغلی و صادق طاهباز مهاجرت کردند، رهبرانی چون شیخ ابراهیم تبریزی، ملک المتکلمین، جهانگیر خان و جمال الدین واعظ بشهادت رسیدند و دهها انقلابی دیگر تبعید گردیدند. ادامه دارد

رابطه اعتراف کرده اند: "بطور کلی می توان نتیجه نهایی سرمایه گذارهای کشورهای سرمایه داری غربی و ژاپن در ایران را در یک جمله خلاصه کرد: صدور سرمایه ... برای چپاول بیشتر" (اطلاعات ۲۰ آبان ۶۳).

سران ج.ا. که با وجود علم به این حقیقت دروازه های کشور ما را بروی انحصارات ژاپنی گشوده اند، آگاهانه در کوره راه خیانت به مصالح ملی کام بر می دارند.

آمریکا توصیه کرد تا همه نیروهای واکنش سریع خود را همراه با تجهیزات مورد نیاز به نزدیکی خلیج فارس منتقل سازد و طرحی را برای انتقال نیروهای دیگر خود از سایر مناطق برای استفاده کوتاه مدت در حوضه خلیج فارس بررسی کند. به نظر مک فایر چنین طرحی مجموعا نزدیک به ۱۰ میلیارد دلار هزینه دربر خواهد داشت. ولی با در نظر گرفتن "منافع حیاتی" آمریکا در منطقه و حفظ آن در آینده، این مبلغ کزافی نیست.

وقتی خمینی فریاد میکشد که استقرار صلح و آرامش در منطقه "برخلاف نظام انسانی است برخلاف نظام اسلامی است"، تردیدی نیست که آب به آسیاب بلندگو های امپریالیسم آمریکا می ریزد.

خمینی پایان جنگی را "برخلاف نظام انسانی" می نامد که راجیبو گاندی نخست وزیر هندوستان در سخنرانی خود در پارلمان آن کشور، آن را چنین توصیف کرد: "جنگ ایران و عراق از لحاظ خصلت یکی از وحشتناکترین جنگها پس از جنگ جهانی دوم است. ما و خلق های دیگر کشورها گامهای گوناگونی برای پایان دادن به جنگ برداشتیم. متاسفانه در حال حاضر کسی پایان جنگ را نمی بیند".

اکثریت قاطع مردم ایران و همه نیروهای صلحدوست در عرصه جهانی خواهان پایان دادن به این جنگ خانمانسوز هستند. رژیم ضد خلقی ج.ا. امپریالیسم آمریکا و عمال دست نشانده آن در سیمای گروههای باصطلاح اپوزیسیون سلطنت طلب، جبهه هواداران ادامه جنگ را تشکیل می دهند. در چنین وضعی وظیفه نیروهای انقلابی و میهن پرست چیست؟ باید با تمام قوا از پیشنهادهای دول و سازمانهای بین المللی که خواهان پایان دادن به جنگ خانمان برانداز هستند، حمایت کرد. نباید از نظر دور داشت که جنگ ایران و عراق، صلح و امنیت جهانی را نیز تهدید می کند.

در داخل ایران باید صف متحد همه نیروهای ضد جنگ و مدافعین صدیق آزادی و استقلال میهن را، بوجود آورد و از کارگر و کشاورز گرفته تا دانشگامی و روشنفکر و کارمند و دانش آموز را در مبارزه در راه سرنگونی رژیم جنگ افروز تجهیز کرد.

حزب توده ایران بر مبنای مشی اصولی و انقلابی خود، در همه این مسائل نظر مشخص خود را ارائه کرده است. حزب ما بارها اعلام کرده است که آماده است برای پایان دادن به جنگ که فقط از طریق تجهیز نیروی خلق امکان پذیر است. با همه نیروهای انقلابی همکاری کند. بنظر ما وحدت عمل پیرامون شعار پایان دادن به جنگ میتواند کام مهمی در راه اتحاد نیروها در جبهه واحد برای سرنگون کردن رژیم جنایت پیشه ج.ا. باشد. امیدواریم نیروهای انقلابی و میهن پرست این ندای ما را با تمام ابعادش بدقت بشنوند و هشدارهای ما را بطور جدی مورد بررسی قرار دهند. ندای حزب توده ایران از احساس درد خلق و میهن بر می خیزد و هشدارهای آن پایه عینی و واقعی دارد.

نگرشی بر عملکرد انحصارات ...

بقیه از صفحه ۲

منطقه از جمله ایران بخود تضمین کند... آمریکا باید مشوق ارویای غربی، ژاپن و کشورهای وابسته و بظاهر اسلامی برای تأمین این وابستگی باشد.

بدین ترتیب فعالیت انحصارات ژاپنی در ایران عمیقا بر خلاف مصالح ملی و استقلال میهن ماست. چنانکه خود حکومتگران ج.ا. در این

کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی مانعی در راه پیشرفت اجتماعی

اخیرا کمیسیون مسائل تئوریک مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" میزگردی درباره خط مشی سیاسی کمونیسم ستیزی در سالهای ۸۰ تشکیل داد. در این گردهمایی، نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری مسایلی را مطرح ساختند که ما اینک چکیده آنها به نظر خوانندگان "نامه مردم" می‌رسانیم.

کمونیسم ستیزی در جهان معاصر نقش سلاح ایدئولوژیک - سیاسی امپریالیسم را ایفا می‌نماید. لبه تیز این سلاح علیه سوسیالیسم موجود، سیاست و آماج‌های اجتماعی احزاب کمونیست و آموزش مارکسیسم - لنینیسم متوجه است. در این روند، نقش اجتماعی و سنگگیری سیاسی و ایدئولوژیک کمونیسم ستیزی، خصلت ارتجاعی آنرا آشکارا نمایان می‌سازد.

از نظر تاریخی ارتجاع از کمونیسم ستیزی، بعنوان سلاح ضربتی بهره‌برداری می‌کند تا در راه پیشرفت اجتماعی سنگ اندازی نماید. کمونیسم ستیزی، سیاست ویژه بورژوازی است که هدفش سرکوب جنبش کمونیستی و عقیم ساختن مبارزه توده‌های زحمتکش در راه برابری اجتماعی و رهایی از استثمار سرمایه‌داری است. در عرصه ایدئولوژیک، کمونیسم ستیزی از تمام جنگ افزارهای زرادخانه ایدئولوژی بورژوازی بهره‌می‌گیرد.

ارتجاعی‌ترین نیروهای سرمایه‌داری معاصر مانند الیکارشی مالی، مجتمع‌های نظامی - صنعتی، محافظه کاران نوین و قشریون متعصب مذهبی و محافل امپریالیستی و نواستعماری می‌کوشند به کمک کمونیسم ستیزی هر سه جریان روند انقلابی جهانی، یعنی سوسیالیسم موجود، مبارزه طبقه کارگر کشورهای سرمایه‌داری و جنبش‌های رهایی بخش ملی را متوقف سازند.

شرکت کنندگان در بحث اظهار داشتند از ویژگی‌های کمونیسم ستیزی در سالهای ۸۰ تشدید شوروی ستیزی است. اصول آن که تا زگی ندارد، بدین شرح است: رد کردن و نفی دستاوردهای اتحاد شوروی در عرصه پیشرفت اقتصادی و اجتماعی، تفسیر نادرست ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم به منزله اوتوبی (پندار بافی)، بی اعتبار ساختن سازمان دولتی اتحاد شوروی به مثابه "توتالیتر"؛ آنان سیاست خارجی اتحاد شوروی را "تجاوزکارانه" و سیاست داخلی آنرا به مثابه شیوه "ضدانسانی ساختن" مناسبات اجتماعی قلمداد می‌کنند.

"جنگ صلیبی" علیه اتحاد شوروی اندیشه عمده‌ای است که استراتژی جهانی جناح راست افراطی امپریالیسم و در درجه اول امپریالیسم آمریکا را تشکیل می‌دهد. منطق نادرست چنین طرز تفکری منبع تمام تحولات اجتماعی در جهان را نتیجه فعالیت "خرابکارانه" اتحاد شوروی تصویر می‌کنند.

نظریه پردازان آنتی کمونیسم و آنتی سوسیالیسم تلاش می‌کنند مناسبات بین‌المللی را با تحریف

و مبالغه، به منزله مناسبات "ژئوپلیتیک" ولاغیر تفسیر کنند و آنها را فقط و فقط در برخوردهای "ملی و منطقه‌ای" خلاصه نمایند. بدینسان مضمون اجتماعی سیاست خارجی سوسیالیسم که هدف غایی آن فراهم ساختن شرایط برای سازندگی صلح آمیز توده‌های زحمتکش انسانی کردن جامعه است، با یک نیش قلم حذف می‌شود. برخورد "ژئوپلیتیک" واقعیت بین‌المللی شدن روند انقلابی را حذف می‌کند، و این در حالی است که ک. مارکس وقتی یاد آورد شد که "آزادی کار یک مسئله اجتماعی است که تمام کشورها را در بر می‌گیرد و نه یک مسئله محلی و یا ملی..." به ویژگی همین بین‌المللی شدن روندهای انقلابی اشاره می‌کند (مجموعه آثار، جلد ۱۶، صفحه ۱۲).

جنبش‌های انقلابی در کشورهای جداگانه و به مقیاس جهانی، با همبستگی سیاسی بین‌المللی نیروهای مترقی و با پشتیبانی اتحاد شوروی ارتباط نزدیک دارد. درست به همین سبب، محور ایدئولوژیک کمونیسم ستیزی چهره خود را هرچه بیشتر در نفی نقش اتحاد شوروی بمنزله تکیه گاه صلح و سازنده مناسبات اجتماعی نوین و به مثابه تکیه گاه استقلال ملی خلقها، نشان می‌دهد. و اشکتگن مصرانه می‌کوشد روابط معنوی توده‌های زحمتکش و جنبش‌های ملی - دمکراتیک را با اتحاد شوروی قطع کند.

شوروی ستیزی در کشورهای آسیا سیمای خود را زیر پرده نظرات ظاهرا بیطرفانه "دو ابر قدرت"، "دوری یکسان" از آنها و تعبیر و تفسیر تمام رویدادها فقط در چارچوب "شرق - غرب" یا "شمال - جنوب" و مانند اینها می‌پوشاند.

یکی دیگر از شیوه‌های مهم دامن زدن به آتش کمونیسم ستیزی، استفاده از وجود اختلاف معینی در موضعگیری برخی از احزاب کمونیست درباره این یا آن مسئله مشخص است. این شیوه تازه‌ای نیست. چنانکه ر. ا. لنین خاطر نشان ساخت، مخالفان کمونیست‌ها از مدتها پیش کوشیده‌اند از "منازعه" جریان‌های مختلف درون سوسیالیسم که از چارچوب ملی فراتر می‌رود، استفاده کنند و سعی کرده‌اند "هنگامی که اپورتونیسم سوسیالیستی با سوسیال - دمکراسی انقلابی بیکار می‌کند، نفعی ببرد" (مجموعه آثار، جلد ۶، ص ۷-۶). چنین سیاست تحریک آمیزی در شرایط کنونی اشکال هرچه ظریف‌تری بخود می‌گیرد. کمونیست ستیزان اغلب بطور پنهانی و عوام فریبانه این فکر را در جنبش کارگری و دمکراتیک و میان احزاب کمونیست کشورهای سرمایه‌داری اشاعه می‌دهند که باید "استقلال عقیده و سیاست از اتحاد شوروی" را نمایان ساخت. آنها می‌کوشند با تحریف مبتذل واقعیات به جنبش‌های مترقی کشورهای در حال رشد تلقین کنند که گویا اتحاد شوروی ناگزیر "روحیه انقلابی را از دست می‌دهد" و

چیزی نمانده است که با امپریالیسم تباری و ساخت و پاخت کند.

شرکت کنندگان در بحث و مذاکره تایید کردند که هر قدر صفوف احزاب انقلابی طبقه کارگر بر پایه انترناسیونالیسم پرولتری یکپارچه تر باشد و جبهه گسترده ضد امپریالیستی مبارزه در راه صلح و پیشرفت اجتماعی فعال تر گردد، میتوان به طرز ثمر بخش‌تری با دشمنان ایدئولوژیک - سیاسی مقابله کرد.

ویژگی کمونیسم ستیزی را که در دنیای سرمایه‌داری و در سطح ملی خود را نشان می‌دهد، رویارویی بلاواسطه و آشکار دو نیروی عمده تعیین می‌کند. از یکسو احزاب کمونیستی و کارگری که پیشاپیش جنبش‌های انقلابی - دمکراتیک قراردادند، و از سوی دیگر ارتجاع که می‌کوشد آن احزاب را از نظر ایدئولوژیک از وجود راهنما و دورنما محروم سازد. ارتجاع این کار را زیر شعار دفاع از منافع "ملی عمومی" انجام می‌دهد و کمونیست‌ها را "نمایندگان بدون مسئولیت" گروههای هرج و مرج طلب، محافل ضد ملی و "دست‌نشانده مسکو" و غیره اعلام می‌کند.

مبارزه علیه کمونیست‌ها، معمولا با تمام وسایل ممکن انجام میشود، اگرچه مقدم و مؤخر شدن وظایف اینجا گاهی با آنچه در عرصه کمونیسم ستیزی "ملی" می‌گذرد فرق می‌کند. مهمترین هدف کمونیسم ستیزی "ملی" مسئله تضعیف سوسیالیسم جهانی است و پس از آن نوبت به احزاب کمونیست کشورهای مختلف می‌رسد. در سطح کشورهای جداگانه، هدف درجه اول ارتجاع نابود ساختن احزاب کمونیست محلی است و در این ارتباط مبارزه علیه جنبش کمونیستی جهانی و سوسیالیسم موجود بعنوان وسیله تکمیلی خرابکاری در بین نیروهای ملی و دمکراتیک انقلابی بشمار می‌رود. البته این شکل تقسیم بندی مسایل به درجه اول و دوم بسیار مشروط است و امپریالیسم میکوشد در تمام خطوطی که با هم در ارتباطند و در تمام سطوح به تعرض خود ادامه دهد.

برخی از شرکت کنندگان در بحث جریانهای ایدئولوژیک ضد کمونیستی را که در کشورهای خاور نزدیک بوجود می‌آید، تشریح کردند. مثلا در مورد نوع از این جریان را میتوان مشخص کرد: جریان محافظه کار و لیبرال. سادات چهره نحوه وار جریان محافظه کار بود. این جریان می‌کوشد منظورترین استدلالات را در تأیید کمونیسم ستیزی در قالب تئوریک تهیه و تدوین کند. این جریان کمونیسم ستیزی بر پایه تکرار اصول نظرات جهالت پرستانه و مذهبی سران عربستان سعودی و احکام مسلم ضد شوروی نیروهای ارتجاعی ایالات متحده آمریکا استوار است. محافظه کاران از جمله هزینه تهیه دهها اثر بقیه در صفحه ۷

حدیث دردمعلمان و وعده "آخرت" مسئولان

در حالی که وضع معلمان کشور - که نمایندهٔ بزرگ آنان را ۴۰۹ هزار نفر تخمین می‌زند - از نظر میزان حقوق دریافتی، مسکن، بهداشت و درمان و دیگر نیازها روز به روز بدتر می‌شود. سران رژیم "ولایت فقیه" که در مردم فریبی دست همهٔ رژیمهای ضد مردمی را از پشت بسته‌اند، آنها را به "خانهٔ آخرت" حواله می‌دهند.

اخیراً در دیدارهایی که وزیر آموزش و پرورش و برخی افر مسئولین این وزارتخانه، بطور جداگانه با خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی به مناسبت باصطلاح "هفتهٔ معلم" و به منظور "لزوم رفع تبعیض حقوقی" و "ایجاد تسهیلات برای تأمین مسکن و درمان معلمین و نیز ارج نهادن به اینثار معلمان" داشتند، روسای جمهوری و مجلس هریک به نوبهٔ خود کوشیدند تا معلمان را دست به سر کرده و با وعده‌های نسیبه آنها را از سر خود واکند.

خامنه‌ای در پیروی از "بیانات عجیب" خمینی دربارهٔ معلم، نسب معلمان را به "ذات ربوبیت" رساند و در پاسخ به خواستهای معلمان به طرز توهم آمیزی گفت "اگر من همین حالا ملا با فشار تکه‌ای این مشکل را حل کنم، مشکل حل می‌شود؟" وی با بیان سخنانی از این دست که "هیچ چیز هم سنگ تعلیم و تربیت دلسوزانهٔ معلمی که درس می‌دهد نیست". موضوع جمعیت را به کلی تغییر داد و ضمن تمجید از "نظام مکتب خانه" و "نظام مسجد" در امر آموزش و پرورش، توصیه کرد که "با شعارها، پلاکاردها، تاکیدات فراوان در مجالس و نماز جمعه‌ها و فضای جامعه معلم به عنوان یک شخصیت معرفی شود". خامنه‌ای همچنین افزود: "ربوبی بودن و نبوی بودن یک معلم می‌تواند موضوع نقاشی باشد".

در همین دیدار که نمایندگان معلمان برای حل مسائل یاد شده آمده بودند، رییس جمهور دیگر بار شیوهٔ تهدید را به کار بست و اعلام کرد: "معلمی که متدین است، انقلاب را قبول دارد و امام را دوست دارد. معلم خوبی است. اما اگر کسی تفکر ضد اسلام (۱)، ضد انقلاب (۱) و ضد امام را تزریق کند، او طرد کردنی است" (اطلاعات ۲۷ فروردین).

بیانات هاشمی رفسنجانی نیز بر همین منوال بود. وی نیز بی آن که به عنوان رییس مجلس و یک مقام مسئول، مشخصاً به پاسخگویی بپردازد، با دادن یک سری وعده و وعیدهای بی اساس که نظایر آن را بارها گفته‌اند و عمل نکرده‌اند، قضیه را به "مادیات" و "معنویات" و این قبیل مسائل کشانده و گفت: "یک معلم مسلمان که اعتقاد به آخرت دارد روی اندوختهٔ مادی زیاد حساب نمی‌کند". و یا: "شما در طول دوران معلمی خود بسیاری از این بچه‌ها را تربیت می‌

کنید که اینها هم بزرگ می‌شوند و در آینده دیگران را تربیت می‌کنند و شما در ثواب آن شریک هستید و این بهتر حسنه و صدقهٔ جاریه‌ای است که یک انسان می‌تواند برای آخرت خود داشته باشد. آخرت بی انتهاست و لذات آن هم بی انتهای باشد..." (اطلاعات - ۲۸ فروردین ۶۴).

هاشمی رفسنجانی به یکباره آب پاکی را روی دست معلمان ریخت و گفت: "معلمین از دورهٔ دانشسرا، این راه را به عنوان یک راه خیر تلقی کنند و در این فکر نباشند که افراد دیگر از لحاظ زندگی مادی از ما جلو افتاده‌اند". او معلمان را تشویق به "کار دیگر" کرد و گفت "هر کس در کنار کارش (می‌تواند) منبع کار درآمد دیگری هم داشته باشد". آن هم در شرایطی که موج بیکاری سرتاسر جامعه را فرا گرفته است و کمتر کسی از زحمتکشان زمینه و امکان "کار دیگر" را دارد.

لا بد منظور از کار دیگر قاچاق فروش و دزدی و سرقت و این قبیل کارهاست که آن هم از معلمان پرنسی آید.

بی آن که دربارهٔ زندگی سراسر فقر و ادبار معلمان نیازی به بحث اضافی باشد، برای بیان واقعیت زندگی آنان به نقل بخشی از سخنان یک معلم از "اطلاعات" هفتم آذرماه ۶۳، اکتفا می‌کنیم:

"همسر و فرزندانمان را در بیماری‌های شدید و سرما و گرمای تابستان در یک اتاق تنگ و تاریک تنها گذاشتیم و در عین تنگدستی تظاهر به رفاه کردیم... شبهای سرد زمستان را بی داشتن سوخت چراغ و یا چراغی برای روشن کردن و غذای گرمی برای خوردن و با چکه کردن سقف تنها اتاق اجاره ایمان و روزهای گرم و طولانی تابستان را بانداشتن حتی پنکه‌ای برای خنک شدن طفل کوچکمان که از گرمای شدید چون مار بر خود می‌پیچید و عرق می‌ریخت، تحمل کردیم ... حدیث معروف "من لامعاش له، لامعاده" و هنگامی که فقر از در وارد می‌شود ایمان از در دیگر خارج می‌شود را شنیده‌ایم همیشه به خود گفته‌ایم که معاد و ایمان ما تزلزل ناپذیر است. حالا هم می‌گوییم. ولی آیا واقعاً و انصافاً معلمی که سقف خانه‌اش چکه می‌کند اما پولی برای قیرکونی ندارد، یا معلمی که پولی بابت اجاره بها یا احیاناً بالا بردن اجاره خانه ندارد یا زمانی که مهمانش با سفرهٔ خالی و ظرف پوسیده ترین میوه‌های او مواجه می‌شود. یا وقتی که فرزند کوچکش از او یک اسباب بازی بسیار ساده برای بازی، یا موقعی که همسرش بدون چادر مانده ولی پول خرید چادر ندارد، یا وقتی که از گرسنگی سرکلاس شکمش سروصدا می‌کند ولی جرات خرید ساندویچ یازده تومانی یا نان سنگک

کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی مانعی در راه پیشرفت اجتماعی

بقیه از صفحه ۶

پژوهشی در دانشگاه قاهره را تأمین می‌کنند و به انتشارات ضد کمونیستی در روزنامه "الاهرام" یاری می‌رسانند و غیره. آنها به سازمانهایی نظیر "اخوان المسلمین" اتکاء می‌کنند که در بسیاری از کشورهای اسلامی سرگرم فعالیت هستند.

در عین حال جریان بورژوازی - لیبرال ضد کمونیستی هم نقش ایدئولوژیک - سیاسی چشمگیری در مصر ایفا می‌نماید. نمایندگان آن مانند محمد حسن هیکل، روزنامه نگار و سران حزب سیاسی "وقد جدید" و مرتدین حزب کمونیست مصر، مارکسیسم - لنینیسم را نفی می‌کنند و تلاش می‌ورزند کارپایهٔ ویژهٔ خود را بوجود آورند، کارپایه‌ای که عناصری از ایدئولوژی مارکسیسم، اسلام و لیبرالیسم بورژوازی را در خود داشته باشد.

شرکت کنندگان در میزگرد تاکید کردند که دورنمای تاریخی ناسیو نالیسم بورژوازی محدود است. زیرا نه تئوری و نه پراتیک سیاسی آن در شرایط معاصر قادر نیست پیشرفت اجتماعی را تأمین کند.

ناسیونالیسم بناگزیر تحت فشار انحصارهای چند ملیتی و امپریالیسم قرار می‌گیرد. بدینسان، بدون همکاری با جنبش کارگری بین المللی و کشورهای جامعهٔ سوسیالیستی تأمین صلح باثبات و پیشرفت اقتصادی، علمی - فنی و اجتماعی کشورهای آزاد شده عملاً غیر ممکن است. به همین سبب، روند تقویت آگاهی انترناسیونالیستی در توده‌ها که مقدم بر هر چیز از فعالیت احزاب کمونیست سرچشمه می‌گیرد، مهمترین شرط افشاندن بذر آگاهی طبقاتی در بین زحمتکشان و درک ماهیت اجتماعی تمام مناسباتی است که تار و پود جامعه بورژوازی را تشکیل می‌دهد.

و پنی را ندارد چگونه می‌تواند با خیال راحت و فکری باز به ساختن فکر و اندیشهٔ دانش آموز بپردازد.

از این گویاتر و ملموس تر نمی‌توان زندگی سراسر رنج و ادبار معلمان را تصویر کرد. حال، در شرایطی که سران رژیم، در اثر عدول از آرمانهای انقلاب و سپردن اهرمهای قدرت به بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران تکلیف خود را یک سره کرده‌اند، تکلیف معلمان چیست؟ تنها راه اعتصاب و تظاهرات اعتراضی و پیوستن به صفوف زحمتکشانی است که برای تحقق خواستهای به حق خود، بصورت متشکل و سازمان یافته به مبارزه برای سرنوشتی با رژیم برخاسته‌اند.

دروود بر زندانیان سیاسی و رزمندگان راه آزادی زحمتکشان ایران!

نمونه درخشان همکاری برابر با سود متقابل

دیدار راجیو گاندی نخست وزیر هندوستان، مذاکرات وی با رهبران اتحاد شوروی و قراردادهایی که میان دو کشور دوست به امضاء رسید، بازتاب گسترده‌ای در مطبوعات هندوستان یافته است.

رسانه های گروهی هندوستان همکاری همه جانبه اقتصادی، فنی، علمی، فرهنگی و سیاسی با اتحاد شوروی را مهمترین عامل پایان دادن به واپس ماندگی صنعتی کشور خود می دانند. روزنامه "هندوستان تایمز" در یکی از شماره های اخیر خود مقاله ای پیرامون همکاری های دو کشور و نتایج آن منتشر ساخت، که آموزنده است.

روزنامه هندی می نویسد:

"دو فوریه ۱۹۵۵ قرارداد با اتحاد شوروی به امضاء رسید که به موجب آن نخستین مجتمع ذوب آهن هندوستان در بهیلا احداث گردید. پایه این همکاری به هنگام سفر جواهر لعل نهرو به اتحاد شوروی در ژوئن سال ۱۹۵۵، گذارده شد.

باید خاطر نشان ساخت که قرارداد فوریه ۱۹۵۵ هیچ ماده ای که بتواند به سیستم ما لطمه ای وارد آورد، نداشت. دول غرب و در درجه اول بریتانیای کبیر می کوشیدند تا هندوستان سیستم سیاسی آنها را بپذیرد و این امر را شرط عده کبک صنعتی به ما قرار داده بودند. در آن ایام دو راه پیش روی ما وجود داشت: یا می بایست تابع حکام سابق استعماری می شدیم و یا سرنوشت خود

را بدست قضا و قدر می سپردیم. درست در این لحظه بحرانی بود که اتحاد شوروی آمادگی خود را برای پر آورده ساختن خواستهای جواهر لعل نهرو اعلام کرد و نخستین مجتمع فولاد بکک اتحاد شوروی احداث شد. اتحاد شوروی اعتبار مالی و بخش عمده ماشین آلات مورد نیاز را با شرایط سهل در اختیار ما گذارد... اتحاد شوروی کارشناسان هندی را برای کار در این مجتمع عظیم و نیز در آزمایشگاههای تحقیق تکنولوژی تولید فولاد، تربیت کرد. اتحاد شوروی هیچ نوع فشار سیاسی به هندوستان نیاورد، هیچ گونه شرطی مطرح نکرد و خواهان بخشی از سهام مجتمع فولاد نشد. این نمونه درخشان کمک دولت سوسیالیستی به کشوری بود که تازه از سلطه استعمار آزاد شده بود.

از آن تاریخ همکاری هندوستان - شوروی بسرعت گسترش یافت. در سال ۱۹۵۷ موافقتنامه جدید درباره همکاری مالی و فنی برای احداث صنایع ماشین آلات سنگین، ماشین آلات معدنی، تولید شیشه های اپتیک و نیز نیروگاههای حرارتی و تعمیرگاههای الکترو-تکنیک و غیره میان دو کشور به امضاء رسید. در سال ۱۹۵۸ اتحاد شوروی برای ایجاد صنایع دارو سازی در هندوستان به ما کمک کرد. در همان سال اتحاد شوروی ساختمان سه نیروگاه حرارتی عظیم، کارخانه ماشین آلات سنگین الکتریکی و عملیات اکتشافی نفت را در هندوستان به پایان رساند.

بموجب موافقتنامه سال ۱۹۶۰ با کمک اتحاد شوروی و شرکت مهندسی هندی کارخانه ابزارهای اندازه گیری، پالایشگاههای نفت در کشور ما احداث شد. بلافاصله بعد از آن ساختمان پالایشگاههای جدید نفت و دیگر رشته های صنعتی و هم چنین استخراج "طلای سفید" آغاز شد.

روزنامه "هندوستان تایمز" سپس می نویسد: "در حال حاضر موسساتی که با کمک و همکاری اتحاد شوروی در کشور ما احداث شده اند ۲۶ درصد کل تولید فولاد، ۲۶ درصد تولید آلومینیوم، ۷۰ درصد تولید ماشین آلات صنعتی، ۴۲ درصد ماشین آلات معدنی، ۵۴ درصد ماشین آلات الکتریکی، ۲۵ درصد تولید نفت خام و ۴۵ درصد فرآورده های آن، ۱۰ درصد تولید انرژی هندوستان را تامین می کنند. همه این موسسات تحت نظارت و اداره کامل هندوستان است. اتحاد شوروی به ما کمک کرد، تجربه خود را با مادر میان گذارد، کارشناسان خود را برای ایجاد صنایع به کشور ما اعزام کرد و سپس پس از پایان کارشان بدون کوچک ترین سروصدای تبلیغاتی به کشور خود بازگشتند. چنین است مظهر عالی سوسیالیسم.

افزون بر این، اتحاد شوروی پیشنهاد کرد تا وامهایی را که در اختیار ما گذارده بود، از طریق صدور کالاهای صادراتی سنتی هندوستان و نیز از طریق فروش کالاهای صنعتی که با کمک آنها در کشور ما تولید می شد، پرداخت کنیم. در نتیجه ما نه تنها وامهای خود را پرداختیم، بلکه موازنه بازرگانی خوبی نیز در تجارت با شوروی داریم.

حمایت زنان هند از زنان کشور ما

این نامه اعتراض آمیز در حمایت از زنان کشور ما، بویژه زنان زندانی، از سوی انجمن زنان دمکرات سراسر هند خطاب به دبیر کل سازمان ملل نوشته شده است.

به دبیر کل سازمان ملل

نیویورک - آمریکا

آقای عزیز،

ما، زنان هند از اخبار مربوط به تفتیقات وارده بر زنان در ایران خیلی متأثر و نگران شده ایم. از شما تقاضا داریم که سریعاً جهت بازگرداندن زندگی طبیعی در ایران مداخله نمایید. میلیونها زن در ایران امروزه تحت شدیدترین تهدیدات توسط جمهوری اسلامی بسر می برند و هزاران زن و کودک علیرغم فداکاریهایشان در به ثمر رساندن انقلاب زندانی شده اند و حتی بدون بازرسی اولیه تحت شدیدترین شکنجه ها قرار دارند و نقش و سهم آنها در سرنوشت رژیم شاه هنوز در خاطر مردم دمکرات زنده است. در ایران، در حالیکه مردان حق داشتن چند همسر را دارند، زنان حتی حق اعتراض به طلاق خود توسط همسرانشان را

نیز ندارند. در رژیم اسلامی لایحه نیمه وقت کردن کار زنان شاغل بتمسویب رسیده که هدف از آن برکناری کامل زنان از عرصه تولید است. همچنین زنان را به بهانه عدم رعایت حجاب از کاربرکناری کنند.

گناه این زنان که سالهاست در زندانها بسر می برند و جان آنها در خطر است چیست؟ مقاومت آنها علیه اقدامات ارتجاعی حکومت اسلامی منجر به آن شده است که تحت شدیدترین شکنجه های جسمی و روانی قرار بگیرند. زنان زندانی حق ملاقات با وابستگان خود را نداشته و از حق انتخاب وکیل محرومند. تمام این اتفاقات زمانی رخ می دهد که دهه زنان رو به پایان است.

ما از آنهایی که به حقوق بشر و آزادی معتقدند انتظار داریم که صدای زنان و مردم ایران را بشنوند. این وظیفه عاجل ما است و ما باید جان هزاران زن زندانی را نجات دهیم. انجمن زنان دمکرات سراسر هند و کمیته هماهنگی زنان کارگر سراسر هند نگران شرایط بحرانی ایران است. اهم تقاضاهای ما از سازمان ملل بشرح زیر است:

- ۱ - آزادی تمام زندانیان سیاسی و از جمله زنان و کودکان
- ۲ - توقف یورش علیه جنبش دمکراتیک و تشکیلات دمکراتیک زنان ایران
- ۳ - پایان دادن به جنگ ایران و عراق ما امیدواریم، شما بعنوان نماینده سازمان ملل مداخله نمایید.
- ارادتمند شما،
- ویمالارانادایو
- نایب پرزیدنت انجمن زنان دمکرات سراسر هند
- رونوشت به:
 - ۱ - سفارت ایران در هند
 - ۲ - تشکیلات دمکراتیک زنان ایران
 - ۳ - دولت ایران

کمک مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!

NAMEH
MARDOM
No: 52

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

MAI, 30, 1985

ملت ایران در برابر رژیم خمینی به زانو در نخواهد آمد